

بنام خالق هستی

بررسی مفهوم اهل البیت از نظر لغت قرآن و روایات

محقق: سجاد حسین جعفری روندوی

اهل در لغت

کلمه «اهل» در لغت، در مورد افرادی که آنان با هم تعلق خاطر فکری، قلبی و وابستگی خاص و نوعی پیوستگی قلبی یا بدون انس و الفت قلبی داشته باشند، به کار می‌رود.

خلیل بن احمد می‌گوید: «اهل مرد، زن و نزدیکترین افراد به او هستند؛ و تأهل به معنای ازدواج است؛ و اهل‌بیت، ساکنان خانه و اهل اسلام، معتقدین به آن هستند»^۱.

ابن منظور می‌گوید: «اهل یعنی اهل مرد و اهل خانه. ابن سیده گفته: اهل مرد، عشیره و نزدیکان او هستند و اهل مذهب معتقدین به آن هستند؛ و اهل اسلام کسانی که به آن پایبند هستند. اهل‌بیت یعنی ساکنان آن و اهل مرد یعنی نزدیکترین افراد به او»^۲.

زبیدی می‌گوید: «اهل، یعنی، اهل مرد، عشیره و نزدیکان او، چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: «فابعثوا حکماً من أهله و...»^۳ و اهل مذهب پیروان و معتقدین به آن هستند و به زن مرد، مجازاً اهل رجل گفته می‌شود. اولاد مرد نیز داخل اهل هستند؛ چنانچه قول خداوند که فرمود: «و سار بأهله»^۴ تفسیر شده به زن و اولاد او»^۵. فیومی واژه اهل را به معنای «انس و قرابت» گرفته^۶. و طریحی گفته: «أهـ لـ لـ اهل مرد فرزندان، پیروان، یاران و اتباع او هستند»^۷.

^۱ خلیل بن احمد، فراهیدی، العین، ج ۴، ص ۸۹، «أهل الرجل، زوجه و أخص الناس به و التأهل: التزویج. و أهل البيت: سکنانه. و أهل الإسلام: من یدین به...»

^۲ ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۲۸، اسماعیل بن حماد الجوهری، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، ج ۴، ص ۱۶۲۸

^۳ نساء / ۳۵، پس انتخاب کنید یک داوراز خانواده شوهر.

^۴ قصص / ۲۹

^۵ سید محمد مرتضی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۱۴، ص ۳۵، ماده «أهل»: «اهل: أهل الرجل: عشیرته و ذوو قریبه و منه قوله تعالى: «فابعثوا حکماً من أهله و...» الأهل المذهب: من یدین به و یعتقده، من المجاز: الأهل للرجل: زوجته و یدخل فیہ الأولاد و به فسر قوله تعالى: «و سار بأهله» أي زوجته و أولاده...»

^۶ احمد بن محمد الفیومی، المصباح المنیر، ص ۲۸

^۷ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۱۲۸، تحقیق سید احمد الحسینی

بیت در لغت

ابن فارس گفته: «ب، ی، ت، اصل واحدی است و بمعنای پناهگان و سرپناه، است، و «بیت» مرد خانواده و کسانی که با او زندگی می کنند می باشد».^۸ ابن منظور گفته: «خانه عرب شرف اوست و جمع بیت، بیوت است... و خانه مرد، زن اوست و به کنایه به زن، خانه گفته می شود».^۹ جوهری گفته: «خانه، عیال مرد و خانه ازدواج او است».^{۱۰} فیومی گفته: «واژه بیت به معنای محل سکونت و جای بیتوته است».^{۱۱}

جمع بندی و نتیجه گیری

از آنچه که تاکنون درباره معنای لغوی «اهل» و «بیت» از اقوال لغویون بیان شد، به این نتایج می رسیم:

۱. اهل و بیت بر معانی مشترکی اطلاق می شوند که عبارت است از: زن و اهل منزل و نزدیکان مرد...
۲. کلمه ترکیبی اهل البیت بر خانواده، عشیره و نزدیکان فرد اطلاق می شود.
۳. در اینکه آیا همسر و زن جزو «اهل البیت» است یا نیست، آیا معنای حقیقی اهل، زن و زوج او است یا نیست، دو دیدگاه وجود دارد:

^۸ أحمد ابن فارس، معجم مقایس اللغة، ج ۱، ص ۳۲۴، تحقیق عبدالسلام، محمد هارون، «الباء و الیاء و التاء، اصل واحد، و هو

المأوی و المآب... و البیت: عیال الرجل و الذین بیبت عندهم»

^۹ ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۱۵، ماده «بیت»، «بیت العرب، شرفها و الجمع البیوت.. و بیت الرجل: إمرأته و یکنی عن الإمرأة

بالبیت»

^{۱۰} اسماعیل بن حماد الجوهری، صحاح اللغة، ج ۴، ص ۱۶۲۸، «البیت عیال الرجل، و البیت التزویج»

^{۱۱} احمد بن محمد بن علی المقرئ الفیومی، المصباح المنیر، ص ۲۸

دیدگاه اول: با توجه به نظر بعضی از لغویون مثل زبیدی، کلمه اهل بر زن فرد به طور مجاز اطلاق می‌شود و معنای حقیقی آن، عشیره و ذی القربی می‌باشد. چنانچه جمله «و من المجاز الأهل الرجل: زوجته» صراحتاً، دلالت بر این معنا می‌کند.^{۱۲} این قول را افراد دیگری نیز تأیید کرده‌اند از جمله قرطبی از «ابن القاسم» نقل کرده است که: «آل و اهل مانند هم هستند که شامل ریشه خانواده، برادران، خواهران، دختران و عمه‌ها می‌شود ولی خاله‌ها را شامل نمی‌شود. لکن همسر بالاتفاق داخل در عنوان اهل و آل نمی‌گردد، هر چند وی ریشه خانواده و اهل و تأهل می‌باشد؛ زیرا ثبوت این مسئله درباره وی یقینی نیست. چرا که گاهی ارتباطش با شوهر به هم خورده و با طلاق گسسته می‌شود».^{۱۳}

ابن حجر هیثمی، بعد از نقل روایاتی از پیامبر درباره اهل بیت و همسران می‌نویسد: «سپس عطف کرده ازواج و زریه را بر آل در روایات زیادی و این بیانگر این مطلب است که ازواج و زریه غیر از آل هستند و این در باره زنان روشن تر است».^{۱۴} ابن حجر بعد از بیان این مطلب، روایتی نقل می‌کند از ابوداود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نحوی درود فرستادن بر خود و اهل بیت را بیان می‌کنند: «... فليقل: «اللهم صلّ على النبي محمد و أزواجه (امهات المؤمنین) و ذرّيته و أهل بيته كما صلّيت على إبراهيم إنك حميدٌ مجيدٌ».^{۱۵} این روایت بیانگر این مطلب است که ازواج با «اهل البیت» درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرق می‌کنند؛

^{۱۲} این حرف با روایتی که مسلم در صحیح خود از زید بن أرقم نقل کرده تأیید می‌شود. «زید بن أرقم گفته: روزی رسول خدا در سرزمین خم به سخنرانی پرداخت و به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش کرد وقتی که از او درباره معنای اهل البیت رسول خدا سوال شد که آیا زنان پیامبر نیز از اهل البیت او هستند یا نه؟ او گفت: نه به خدا سوگند. همسر یک عمر با مرد زندگی می‌کند، سپس مرد او را طلاق می‌دهد. او به سوی پدر و وابستگان خود، باز می‌گردد.» صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۳

^{۱۳} محمد بن احمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۸۱. «قال ابن القاسم: هما (آل و أهل) سواء وهم العصبه و الإخوة و البنات و العمّات و لا يدخل فيه الخالات و...»

^{۱۴} أحمد بن محمد بن علی بن حجر الهیثمی (م ۹۷۳)، الصوائق المحرقة، ج ۲، ص ۴۳۰، «ثمَّ عطف الأزواج و ذرّية علی الآل فی کثیر من الروایات یقتضی انهما لیستا من الآل و هو واضح فی الأزواج...»

^{۱۵} أحمد بن محمد بن علی بن حجر الهیثمی (م ۹۷۳)، الصوائق المحرقة، ج ۲، ص ۴۳۲، تحقیق عبدالرحمن بن عبدالله الترمذی. این حدیث را بیهقی در السنن، ج ۲، ص ۱۵۱، قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۲۵، ص ۱۴۱، و سیوطی در درالمشهور، ج ۵، ص ۲۱۶-۲۹۵، و هندی در الكنز، ص ۲۱۷۵، آورده‌اند. به نقل از حاشیه کتاب صوائق محرقة، ج ۲، ص ۴۳۱

اگرچه از حیث لغت، ما قائل بشویم که زنان جزء «اهل البیت» هستند ولی در لسان شرع مراد از «اهل البیت» افراد خاصی هستند، نه ازواج، نه همه اهل خانه و خاندان و اقوام.^{۱۶}

دیدگاه دوم: «از بیان اکثر لغویون معلوم می‌شود که آنها، همسر را جزء معنای حقیقی اهل بیت می‌دانند؛ چنانچه قبلاً نظریات آنها بیان شد. بر این اساس می‌توان گفت که لفظ «اهل» دارای مفهوم وسیعی است که شامل فرزندان و همسران نیز می‌شود». علامه امینی در این باره می‌گوید: «زوجه از «اهل» است به نص قول الهی که فرمود: «لُنَجِّنَهُ وَأَهْلَهُ...»^{۱۷} و «إِنَّا مُنَجِّوْكَ وَاهْلِكَ...»^{۱۸}.»^{۱۹} این قول با توجه به بعضی از روایات که در آنها ام سلمه از پیامبر در داستان کساء، پرسید: «که آیا من از اهل هستم؟» حضرت فرمودند: «أنت من أهلی»^{۲۰} تأیید می‌شود.

اهل البیت در اصطلاح

در معنای اصطلاحی اهل البیت، میان علماء مسلمین اختلافات فراوانی وجود دارد اما اکثر مفسرین و علماء مسلمین اتفاق دارند که هرگاه کلمه «اهل بیت» به طور مطلق استعمال شود، مراد از آن اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. چنانچه راغب در مفردات می‌گوید: مراد از اهل بیت در عرف (مردم) آل نبی صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد «صار أهل البیت، متعارفاً فی آل النبی صلی الله علیه و آله و سلم». ^{۲۱} سلیمان بن سالم می‌گوید: اگر لفظ اهل البیت بطور مطلق بیاید مراد از آن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.^{۲۲}

^{۱۶} این قول با روایاتی که در آنها، بعد از نزول آیه تطهیر، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بمدت چندین ماه بر در خانه حضرت زهرا علیها السلام می‌آمدند و آنها را با عنوان اهل بیت، برای نماز صدا می‌زدند و بعد آیه تطهیر را تلاوت می‌کردند، نیز تأیید می‌شود.

^{۱۷} عنکبوت / ۳۲، او و خانواده اش را نجات می‌دهیم.

^{۱۸} همان / ۳۳، ما تو و خانواده ات را نجات خواهیم داد.

^{۱۹} عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۶، ص ۱۶۹

^{۲۰} ابوجعفر محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۷،

^{۲۱} راغب اصفهانی، مفردات راغب، ص ۶۴

^{۲۲} سلیمان بن سالم السحیمی، العقیده فی اهل البیت بین الإفراط و التفریط، ص ۴۰،

اقوال علماء در باب معنای اصطلاحی اهل البیت

در معنای اصطلاحی اهل بیت اقوال زیادی وجود دارند که به شش قول اشاره می شود، که بیشترین طرفداران را در بین علماء مسلمین به خود اختصاص داده اند. برای تفصیل، خواننده محترم را به کتب تفصیلی ارجاع داده می شود.^{۲۳}

۱. قول اول: مراد از اهل البیت کسانی هستند که صدقه بر آنها حرام است.^{۲۴} این قول، قول جمهور علماء اهل سنت، اعم از مذاهب اربعه و غیر آن می باشد. این قول را افرادی همچون ابن الحزم^{۲۵}، ابن تیمیه^{۲۶}، ابن قیم^{۲۷} و ابن حجر نیز برگزیده اند.

۲. قول دوم: مراد از اهل البیت، خمس طیبه یا اصحاب کساء، تنها حضرت رسول ﷺ، حضرت علی ﷺ، حضرت فاطمه علیها السلام، حضرت حسن و حضرت حسین علیهما السلام، هستند. این قول، قول شیعه امامیه اثناء عشریه و زیدیه است و از صحابه همچون ابوسعید خدری^{۲۸}، انس بن مالک و عایشه^{۲۹}

^{۲۳} در معنای اصطلاحی اهل البیت بیش از هفت نظریه وجود دارد.

^{۲۴} بین طرفداران این نظریه، در این که بر چه افرادی، صدقه حرام است نیز اختلاف وجود دارد که مشهورترین آنها دو قول است: ۱. مراد از آنها (صدقه بر آنها حرام است) بنی هاشم و بنی مطلب هستند. (این قول را افرادی همچون: امام شافعی، کتاب الأم، ج ۴، ص ۲۹۵، أبوزکریا محی الدین یحیی بن شرف، النووی، المجموع شرح مهذب، ج ۳، ص ۶۶۶، بیان کرده اند) ۲. مراد از آنها فقط بنی هاشم هستند. (این قول را افرادی همچون: ابی حنیفه، الرد المختار علی الدر المختار، ج ۳، ص ۲۹۹، ابن حجر، فتح الباری، ج ۳، ص ۴۱۴، نقل کرده اند)

^{۲۵} علی بن احمد بن سعید ابن الحزم، المحلی، ج ۶، ص ۱۴۶

^{۲۶} احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیه، مجموع فتاوی، ج ۳، ص ۴۰۷

^{۲۷} محمد بن ابی بکر بن ایوب ابن قیم، جلاء الإفهام، ص ۳۳۷

^{۲۸} حافظ أبی القاسم سلیمان بن أحمد طبرانی، معجم الکبیر، ج ۳، ص ۵۶، ح ۲۶۷۳، هیشمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۷، ص ۲۰۷، ح ۱۱۲۷۲

^{۲۹} عبدالرحمن بن علی بن محمد الجوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر، ج ۶، ص ۶۸۱

امسلمه^{۳۰} و از تابعین مثل مجاهد و قتاده^{۳۱} نیز این قول نقل شده است؛ و أبو محمد عطیه الغرناطی^{۳۲} (م ۵۴۱)، این قول را به جمهور نسبت داده است. طحاوی در شرح مشکل الآثار، قاضی ابوالمحاسن و عزیز الحق کوثری هم این قول را برگزیده‌اند.^{۳۳}

۳. قول سوم: مراد از اهل البیت، فقط شامل زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و لا غیر. این قول منسوب به ابن عباس، عکرمه، عطاء بن اَبی رباح تابعی و مقاتل بن سلیمان بن بشیر بن الأزدی است.^{۳۴}

۴. قول چهارم: همسران و ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مراد است. این قول را ابن عبدالبر در «التمهید»^{۳۵} و ابن عربی در احکام القرآن^{۳۶}، اختیار کرده‌اند.

۵. قول پنجم: اهل البیت پیامبر صلی الله علیه و آله، امت و پیروان او در تمام زمان‌ها هستند تا روز قیامت. این قول از جابر بن عبدالله انصاری و سفیان سوری، نقل شده^{۳۷} و محی الدین النووی در شرح مسلم^{۳۸} و ازهری در معانی القراءات^{۳۹}، این قول را ترجیح داده‌اند.

^{۳۰} منصور بن محمد ابی المظفر سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۸۱، زاد المسیر، ج ۶، ص ۳۸۱

^{۳۱} حسین بن مسعود بغوی، تفسیر بغوی، ج ۶، ص ۳۵۰، محمد نعیم دیوبندی، تفسیر کمالین شرح تفسیر جلالین، ج ۵، ص ۱۳۱، قاضی محمد ثنا الله پانی پتی، تفسیر مظهری، ج ۸، ص ۴۴۸، غلام رسول سعیدی، تبیان القرآن، ج ۹، ص ۴۴۰، منصور بن محمد ابی المظفر سمعانی، تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۲۸۱

^{۳۲} عبدالحق بن غالب بن عطیه الاندلسی، المحرز الوجیز، ج ۱۳، ص ۷۲

^{۳۳} احمد بن محمد سلامه طحاوی، شرح مشکل الآثار، ج ۲، ص ۲۴۴، یوسف بن موسی الحنفی ابوالمحاسن، المغتصر من

المختصر من مشکل الآثار، ج ۲، ص ۱۶۷، عزیز الحق کوثر ندوی قادری، مناقب اهل البیت، ۹۹

^{۳۴} تفسیر سمعانی، ج ۴، ص ۲۸۰، تفسیر بغوی، ج ۶، ص ۳۵۰، ابن عطیه، المحرز الوجیز، ج ۱۳، ص ۷۲، زاد المسیر ابن جوزی، ج ۶، ص ۳۸۱، محمد بن احمد قرطبی، جامع الأحکام القرآن، ج ۱۴، ص ۱۱۹، محمد بن علی بن محمد شوکانی، فتح القدر، ج ۴، ص ۳۲۰

^{۳۵} یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر الأندلسی، التمهید لما فی الموطاء من المعانی و الأسانید، ج ۱۷، ص ۳۰۲

^{۳۶} ابویکر محمد بن عبدالله المعروف باین العربی، احکام القرآن، ج ۳، ص ۶۳۳، محمد إدیس کاندهلوی، معارف القرآن، ج ۶،

ص ۲۶۹، ابوالاعلی مودودی، تفهیم القرآن، ج ۴، ص ۹۴، مولوی غلام رسول سعیدی، تبیان القرآن، ج ۹، ص ۴۴۴

^{۳۷} ابن القیم، جلاء الإفهام، ص ۲۳۹

^{۳۸} شرح مسلم للنووی، ج ۴، ص ۱۶۳

^{۳۹} محمد بن احمد الأزهری الهروی، معانی القراءات، ص ۴۱۲

۶. قول ششم: اهل البیت پیامبر ﷺ تنها شامل پرهیزکاران امت وی هستند. این قول را از «قاضی حسین ابویعلی» و «راغب اصفهانی» نقل کرده‌اند.^{۴۰}

اثبات قول حق

قول حق همان قول دوم است؛ به دلایل مختلفی که وجود دارد. در اینجا به ادله قول دوم اشاره می‌شود تا ثابت شود که حق با کسانی است که قول دوم را انتخاب کرده‌اند (مراد از اهل البیت، طیبه خمس است و لا غیر). به دلایل متعدد قرآنی و روایی، عمده ادله همه اقوال، روایاتی است که در منابع مختلف نقل شده‌اند؛ همچنین اجتهاد شخصی بعضی از صحابه، تابعین و مفسران، روایاتی که در اثبات قول دوم وجود دارند، مقدار آنها نسبت به روایاتی که برای اثبات اقوال دیگر بیان شده‌اند، بیشتر است و همچنین از حیث صحت سند، نسبت به دیگر روایاتی که دیگران برای اثبات قول خود آوردند، معتبر تر هستند. وقتی که با ادله محکم (آیات و روایات) ثابت شود که حق با قول دوم است، دیگر اجتهاد شخصی افرادی همچون، ابن اکرمة و...، ارزشی نخواهد داشت؛ چرا که اجتهاد جایی معتبر است که نصی نباشد، وقتی که نص وجود داشته باشد دیگر نیاز به اجتهاد نیست و اگر کسی اجتهاد کند، این اجتهاد در مقابل نص است که بتصریح تمام علماء فریقین باطل می‌باشد.

ادله قول حق (قول دوم)

با توجه به محدودیتی که این نوشتار دارد، نمی‌شود ادله تمامی اقوالی را بیان کرد و مورد بررسی و نقد قرار داد و لذا به بیان ادله قول منتخب، اکتفاء می‌شود که در ضمن بیان ادله معلوم خواهد شد که اقوال دیگر، چنین ادله قوی را ندارند. برای آگاهی و تفصیل این اقوال، خواننده محترم را به

^۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۳۰، جلاء الإفهام، ص ۲۳۹؛ برای تفصیل به این کتب مراجعه شود: احمد بن علی بن حجر، العسقلانی، فتح الباری، ج ۱۱، عمر بن صالح القرموشی، اهل البیت عند الشیخ ابن تیمیه، ص ۴۸، سلیمان بن سالم بن رجاء السحیمی، العقیده فی اهل البیت بین الإفراط و التفريط، ص ۴۰، ابی عبدالله محمد بن ابی بکر ایوب بن قیم الجوزی (م ۷۵۱)، جلاء الإفهام، ص ۲۳۹، تحقیق زائد بن احمد النشیری، خلیفه عبید الکلبانی عمانی، «من هم اهل البیت، سید راضی حسینی، معرفة اهل البیت فی ضوء الكتاب و السنة»، ج ۱، ص ۲۹ به بعد، صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۷، ص ۱۷۶ به بعد.

کتب مفصل تر ارجاع داده می‌شود.^{۴۱} روایات وارد شده از رسول خدا ﷺ در تعیین «اهل بیت» دو دسته‌اند، دسته اول: روایاتی که در تفسیر و تعیین مصداق آیات وارد شده‌اند. دسته دوم: روایاتی که مستقلاً «اهل بیت» را معرفی می‌کنند.

آیات (روایاتی که در تعیین مصداق آیات وارد شده‌اند)

۱- آیه مباهله: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ».^{۴۲} از آن پس که به آگاهی رسیده‌ای، هر کس که درباره او با تو مجادله کند، بگو: بیایید تا حاضر آوریم، ما فرزندان خود را و شما فرزندان خود را، ما زنان خود را و شما زنان خود را، ما برادران خود را و شما برادران خود را. آن گاه دعا و تضرع کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان بفرستیم.

شان نزول آیه مباهله

هیئتی از مسیحیان نجران در شهر مدینه، خدمت رسول خدا ﷺ رسیدند و آنها را، به دین اسلام دعوت کردند، ولی آنها از قبول این دعوت اجتناب کردند و بر جهل و نادانی خود اصرار ورزیدند، ایشان نیز بر اساس دستور خداوند آنها را به مباهله دعوت کردند، آنها از رسول خدا ﷺ یک روز مهلت خواستند. روز بعد ایشان به همراه حضرت علی عليه السلام، حضرت زهرا عليها السلام، حضرت امام حسن و امام حسین عليهما السلام برای مباهله آمدند و آنها از مباهله اجتناب کرده و با قبول پرداخت جزیه، با رسول خدا مصالحه کردند.

^{۴۱} مراجعه شود به (صفحه بیان نشده چون این ادله در این کتب در صفحات متعدد بیان شده‌اند) ۱- عباقات الانوار، ج ۲۰ و خلاصه آن، ۲- نزل الأبرار بما صح من مناقب اهل البيت الأطهار، ص ۳۰ به بعد، حافظ محمد بن معتمد خان، البدخشانی، تحقیق محمد هادی الأمینی، ۳- پژوهشی جدید در آیه تطهیر، عبدالرحمن قربانزاده، امام شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲؛ شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، علی اصغر رضوانی، ۴- من هم اهل البيت، خلیفه عبید الکلبانی عمانی ۵- معرفه اهل البيت فی ضوء الكتاب و السنه، سید راضی حسینی

در اینجا به چند روایت که بیانگر واقعه مباحله هستند و بیان می‌دارند که رسول خدا ﷺ، این نفوس اربعه را به عنوان اهل بیت خود معرفی کردند، اشاره می‌شود:

۱- مسلم در صحیح خود از عامر بن سعد بن ابی وقاص آورده، وقتی که معاویه از سعد بن ابی وقاص خواست تا حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام را سب کند، او امتناع کرد و علت آن را هم فضائلی دانست که رسول خدا درباره حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام بیان فرمودند؛ وی می‌آورد: «و زمانی که آیه» «فقل تعالوا ندع أبنائنا و أبنائكم...» نازل شد رسول خدا ﷺ، علی، فاطمه حسن و حسین را فرا خواند و فرمود: «اللهم هؤلاء أهلی»^{۴۳}

۲- سیوطی در درّ المثور آورده: از جابر که: مراد از «أنفسنا و أنفسكم» رسول خدا و علی هستند و مراد از «و أبنائنا و أبنائكم» حسن و حسین هستند و مراد از «و نساءنا و نساءكم» فاطمه است.^{۴۴} قال الشعبي: «ابناءنا الحسن و الحسين و «نساءنا» و فاطمة، و «أنفسنا» علی بن ابی طالب» شعبی می‌گوید:^{۴۵} «منظور از «پسران ما» حسن و حسین و منظور از «زنان ما» فاطمه و منظور از «خودمان» علی بن ابی طالب است».^{۴۶}

۲- آیه مودت: یکی دیگر از آیاتی که بیانگر فضیلت اهل بیت است، آیه مودت می‌باشد و به تصریح روایات که در تعیین مصداق «ذوی القربی» وارد شده‌اند، روشن می‌شود که مراد از ذوی القربی،

^{۴۳} ابی‌الحسین مسلم بن الحجاج ابن مسلم القشیری النیشابوری، صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۲۰، باب فضائل علی - رضی الله عنه «و لما نزلت هذه الآية «فقل تعالوا ندع أبنائنا و أبنائكم...» فدعا رسول الله صلى الله عليه وسلم، علياً و فاطمه و حسناً و حسيناً، فقال اللهم هؤلاء أهلي.»

^{۴۴} سیوطی، درالمثور، ج ۲، ص ۳۸، دلائل النبوه، ج ۱، ص ۲۹۸، مستدرک حاکم نیشابوری، ج ۲، ص ۵۹۹

^{۴۵} ابی‌الحسن علی بن أحمد الواحدی (م ۴۶۸ هـ. ق)، اسباب النزول القرآن، ص ۱۰۷

^{۴۶} برای آگاهی بیشتر به این منابع مراجعه شود: ۱- واحدی نیشابوری (م ۴۸۶)، اسباب النزول، ص ۹۰، ج ۲- حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۰، ۳- محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰)، جامع البیان عن تأویل القرآن، ج ۳، ص ۳۰۰، ۴- جلال الدین سیوطی (م ۹۱۰)، الدر المثور فی تفسیر المأثور، ج ۲، ص ۳۳۱ - ۳۳۳، ۵- احمد بن حنبل، المسند، ص ۱۵۸، ۶- معرفه اهل البیت فی ضوء الكتاب و السنه، ج ۱، ص ۲۴۲ به بعد، بحث آیه مباحله، عزیز الحق کوثر ندوی، مناقب اهل بیت،

به تصریح خود رسول اکرم ﷺ، وجود نازنین حضرت علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام می باشند و امامان بعدی از نسل امام حسین علیهما السلام هستند. در اینجا به نقل چند روایت اکتفا می شود، که در منابع مختلف برادران اهل سنت در تعیین مصداق «ذوی القربی» وارد شده اند.

آیه: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» [ای رسول ما به امت]: «بگو: من از شما

اجر رسالت جز این نمی خواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندانم منظور دارید.»

در این آیه از امت خواسته شده که به خویشاوندان پیامبر، بدون هیچ گونه قید و شرطی محبت و مودت داشته باشند، جمیع علماء فرق اسلامی از این آیه، وجوب محبت و مودت را برداشت کرده اند؛ معنای وجوب محبت این است که از گفتار و کردار و سیره آنها پیروی کرد. چون که نشانه و لازمه محبت و مودت پیروی است؛ چنانچه در قرآن آمده: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...»^{۴۸}

نشانه محبت، اقتدا و پیروی است و این، به این معنا است که مسلماً خداوند نخواسته است که از تمام خویشاوندان او پیروی کنیم؛ چون در میان آنها افراد صالح، مؤمن، فاسق و گناهکار هم بوده اند. از اینجا معلوم می شود که مراد افراد خاصی بوده اند و بخاطر همین است که اصحاب از رسول خدا ﷺ سوال کردند که مراد از «ذوی القربی» چه کسانی هستند. آن حضرت نیز جواب دادند که مراد از ذوی القربی «علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام» هستند. چنانچه از ابن عباس نقل شده: «عن ابن عباس - رضی الله عنها - قال: لما نزلت هذه الآية «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» قالوا: يا رسول الله من قرابتك هؤلاء الذين وجبت علينا مودتهم؟ قال: علي و فاطمه و أبناهما.»^{۴۹}

هنگامی که آیه «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...» بر پیامبر نازل شد، صحابه عرض کردند: ای رسول خدا!

خویشاوندان تو کیانند که مودت آنان بر ما واجب است؟ حضرت ﷺ فرمودند: «علی، فاطمه، حسن

^{۴۷}. شوری / ۲۳

^{۴۸}. آل عمران / ۳۱

^{۴۹}. احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۲، ص ۶۶۹، ح ۱۱۴۱، الطبرانی، معجم الکبیر، ج ۳، ص ۴۷، ح ۲۶۴۱، الهیثمی، مجمع الزوائد، ج ۹،

ص ۱۶۸، محمد بن معتمد خان البدخشانی، نزل الأبرار، ص ۳۲، دکتر محمد طاهر القادری، غایة الإجابة فی مناقب القرابة، ص ۳۴

و حسین). امام حسن علیه السلام بعد از شهادت حضرت علی علیه السلام خطبه‌ای ایراد فرمودند و بعد از حمد و ثنای الهی فرمودند: «من از اهل بیتی هستم که خداوند مودت آنان را بر هر مسلمانی واجب نموده است، پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «قل لا أسئلكم...» انجام کار نیک مودت ما اهل بیت است».^{۵۰}

کوثرندوی می‌گوید: «در این که مراد از اقربی چیست؟ سه قول است، مراد از اقربی حضرت علی فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام هستند، مراد عامه، نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند، مراد تقرب الهی است، ولی بنظر من قول اول ترجیح دارد».^{۵۱}

۳- آیه تطهیر: از جمله آیاتی که مصداق «اهل البیت» را بیان می‌کند، آیه «تطهیر» است. به تصریح روایات زیادی که در باب تعیین مصداق آیه «تطهیر» وارد شده‌اند، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مصداق اهل بیت در این آیه را نیز بیان کرده‌اند که عبارتند از خمسه طیه که به ذکر یک روایت اکتفا می‌شود؛ مسلم به سند خود از عایشه نقل کرده که: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صبحگاهی از حجره خارج شد؛ در حالی که بر روی دوش او پارچه‌ای از پشم خیاطی نشده بود، حسن بن علی بر او وارد شد، او را داخل کساء کرد، آنگاه حسین وارد شد، او را نیز در آن داخل کرد. سپس فاطمه علیها السلام وارد شد، او را نیز داخل آن کرد، بعد علی علیه السلام وارد شد، او را نیز در آن داخل نمود؛ آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا».^{۵۲} آلوسی، در تفسیر ذیل آیه تطهیر در تعیین مصداق «اهل بیت» بعد از نقل حدیث ثقلین، زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را شامل اهل بیت نمی‌داند و

^{۵۰} . أبو عبدالله الحاكم النيشابوري، مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۸۸، ح ۴۸۰۲، «و أنا من اهل البيت الذي افترض الله مودتهم على كل مسلم، فقال تبارك و تعالی، قل لا أسئلكم عليه اجرا إلا المودة في القربى و من يقترف حسنة نزد له فيها حسناً، فاقتراب الحسنه مودتاً اهل البيت...» خواننده محترم را برای تفصیل بحث آیه مودت، عودت می‌دهیم به کتب مفصل: ۱- تفسیر المیزان، ج ۱۸، ص ۶۱ به بعد، ۲- سید رضی الحسینی، معرفته اهل البيت فی ضوء الكتاب و السنة، ص ۲۰۶ به بعد، شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، ص ۱۶۴، علی اصغر رضوانی، امام‌شناسی، ج ۲، ص ۴۶۲ به بعد، صائم چشتی، البتول، ص ۲۵۰ به بعد، ناصر مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۹، ص ۲۲۵ به بعد

^{۵۱} . عزیز الحق کوثرندوی قادری، مناقب اهل بیت، ص ۷۳، و نیز، تفسیر مظهری ج ۸، ص ۳۲۰

^{۵۲} . صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۳۰

می‌گوید: «و تو می دانی آنچه از ظاهر روایت صحیحی که پیامبر در آن فرمودند: «أني تارك فيكم خليفين - و فی روایة - ثقلین، کتاب الله حبلٌ ممدود ما بین السَّماء و الارض و عترتی اهل بیتی و إنهما لن یفترقا حتّی یرد علی الحوض» این است که زنان پیامبر داخل در اهل بیت نیستند چونکه مراد از عترت چنانچه در صحاح آمده نسل از پشت مرد است».^{۵۳} طحاوی در «مشکل الآثار» بعد از نقل روایات مختلف مراد از اهل بیت در آیه تطهیر خمسه طیبه می داند نه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله و دلیل این حرف خود را یکی تغییر ضمیر مونث به مذکر و دیگری روایاتی می داند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وقت نماز صبح به در خانه حضرت علی علیه السلام می آمد و می فرمود: «الصَّلَاةُ یا اهل بیت «إنما یرید الله ...».^{۵۴} وی در ادامه روایتی از ابوالحمراء می آورد که او گفته: «من نه ماه همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم که ایشان هر روز هنگام نماز صبح بر در خانه حضرت زهرا علیها السلام می آمد و می فرمودند: «السلام علیکم اهل البیت، إنما یرید الله ...» وی در ادامه می گوید این روایت دلالت می کند که این آیه در باره آنها (خمسه طیبه) نازل شده است».^{۵۵} ندوی با اشاره به نظر طحاوی می گوید: «امام طحاوی قابل تعریف و مبارک باد هستند که با بیان روایات متعدد و بحث و بررسی این روایات، روشن کردند که مراد از اهل بیت در آیه تطهیر، خمسه طیبه علیهم السلام هستند نه زنان پیامبر صلی الله علیه و آله».^{۵۶} قاضی ابوالمحاسن می گوید: «کلامی که خطاب به ازواج النبی صلی الله علیه و آله بود، آن کلام در «أقمن الصَّلَاةَ و آتین الزکاة» تمام شده است و قول خداوند متعال (إنما یرید ...) یک جمله مستأنفه

^{۵۳}. «و أنت تعلم أن ظاهر ما صحَّ من قوله صَلَّى اللهُ عليه و سلم: ... يقتضى ان النساء المطهرات غير داخلات في اهل بيت، هم احد

الثقلين لان عتره الرجل كما في الصحاح، نسله و رهطه الادنون» سيد محمود آلوسی، روح المعانی، ج ۱۱، ص ۱۹۷

^{۵۴}. «فقلنا أن قوله: «إنما یرید الله لیذهب ...» الآیه، خطاب لمن أراد من الرجال بذلك لیعلمهم، تشریفة لهم، و رفعتهم لمقدارهم أن جعل

نساءهم من قد وصفه لما وصفه به ممّا فی الآیات المتلوات قبل الذی خاطبهم به تعالی، و مما دلّ علی ذلك أيضاً، ما قد حدثنا ابن

مرزوق ... عن أنس أن رسول الله كان إذا خرج لصلاة الفجر يقول: الصلاة یا اهل بیت «إنما یرید الله ...» طحاوی، مشکل الآثار، ج ۲،

ص ۳۳

^{۵۵}. «أبی جعفر أحمد بن محمد بن سلامه طحاوی، شرح مشکل الآثار، ج ۲، ص ۲۴۸، و فی هذا أيضاً دلیل علی أن هذه الآیه فیهم» در

چاپ‌های جدید تحریف کرده اینطور آورده‌اند، (اهل هذه، من هم)

^{۵۶}. عزیز الحق کوثر ندوی قادری، مناقب اهل بیت، ص ۱۱۴

است که برای بیان توقیر و بلندی مقام اهل بیت (خمس طیه) آمده است و لذا برای داخل نمودن ازواج النبی ﷺ، در این آیه حجتی برای هیچ کسی نیست و دلیل دیگر ما بر اینکه مراد از اهل بیت، خمس طیه هستند نه ازواج النبی ﷺ، روایت‌هایی است که در آنها آمده که رسول خدا ﷺ در وقت صبح (در بعضی روایات تا نه ماه) بر در خانه حضرت زهرا علیها السلام می‌آمدند و می‌فرمودند: «السلام علیکم اهل البیت، انما یرید...».^{۵۷} ندوی بعد از نقل روایات وارد شده در باب آیه تطهیر می‌گوید: «روایاتی که می‌گویند، در وقت نزول آیه تطهیر، حضرت رسول خدا ﷺ خمس طیه را اهل بیت خود معرفی کرده و فرمودند: «اللهم هولاء اهل بیتی» به حد تواتر می‌رسند و بیان می‌دارند که مراد از اهل بیت حضرت علی علیه السلام، حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت حسن و حسین علیهم السلام هستند و در این هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد.»^{۵۸}

صائم چشتی^{۵۹} درباره مصداق «اهل بیت» در کتاب «البتول» خود، بعد از ذکر آیه «مباهله» روایاتی که در آنها مصداق «اهل بیت» را رسول اکرم ﷺ، حضرت علی علیه السلام، فاطمه علیها السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام دانسته، می‌آورد؛ و در آخر می‌گوید: «وقتی که آیه مباهله نازل شد، حضرت رسول اکرم

^{۵۷} قاضی ابوالمحاسن یوسف بن موسی الحنفی، المعتصر من المختصر من مشکل الآثار، ج ۲، ص ۲۶۷، والکلام، الخطاب ازواج النبی ﷺ، تم عند قوله (و أقمن الصلاة و أتین الزکاة) و قوله تعالی (إنما یرید الله لیذهب...) إستئناف تشریفاً لأهل البیت و ترفیعاً لمقدارهم، الأتری أنه جاء علی خطاب المذکر فقال عنکم و لم یقل عنکن، فلا حجة لأحد فی إدخال الأزواج فی هذه الآیة، یدل علیه ما روی أن رسول الله ﷺ کان إذا أصبح أتى باب فاطمة، فقال السلام علیکم اهل البیت، «إنما یرید الله...»

^{۵۸} عزیز الحق کوثر ندوی قادری، مناقب اهل بیت، ص ۹۹

^{۵۹} محمد ابراهیم، معروف به صائم چشتی صوفی و شاعر، ادیب، محقق، مترجم و است که در سال ۱۹۳۲ در منطقه امرتسر، به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۰ م، در شهر فیصل آباد پاکستان درگذشت. وی به دو زبان اردو و پنجابی، مجموعه‌هایی شعری به نام های: نوای صائم (۴ جلدی)، نور دا ظهور (به زبانهای اردو و پنجابی)، ارمان مدینه، ن والقلم، و... است تصانیف و تألیفات، مشکل گشا، در ۴ جلد (سیرت حضرت علی علیه السلام، البتول (سیرت حضرت فاطمه زهرا)، ایمان ابوطالب، شهید ابن شهید (۳ جلدی)، المدد یا رسول الله، خطبات چشتیه (۱۲ جلدی) ابوبکر در قرآن، الصدیق؛ ترجمه ی تفسیر کبیر امام فخر رازی به زبان اردو، ترجمه تفسیر ابن عربی، به زبان اردو، ترجمه خصائص نسائی به زبان اردو، ترجمه فتوحات مکیه ترجمه دیوان حضرت ابوطالب به زبان اردو، و... می باشند.

ﷺ این چهار نفر را انتخاب کرد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی» و وقتی که آیه «تطهیر» نازل شد، این چهار نفر را انتخاب کرد و فرمود: «اللهم هؤلاء اهل بیتی».^{۶۰}

روایات (روایات مستقل)

۱- حدیث ثقلین: یکی از احادیث بسیار مهم و متواتر که در منابع مختلف اهل سنت و شیعه آمده و حاوی مطالب بسیار مهمی درباره «اهل البیت (علیهم السلام)» است و مقامات مختلفی از قبیل اعلمیت، عصمت و جامعیت اهل البیت را ثابت می‌کند، حدیث ثقلین است. و اما اینکه مراد از «اهل بیت» در این حدیث چه کسانی هستند، علماء اقوالی دارند. با توجه به ادله قرآنی و روایی ثابت می‌شود که مراد از اهل بیت، افراد خاصی است، نه همه اقربی و خویشان پیامبر؛ به چند دلیل و قرائن که بعضی از این ادله و قرائن در درون خود حدیث ثقلین و در دلالت حدیث وجود دارند و بعضی دیگر از ادله، «روایات» خاصی هستند که رسول ﷺ در تفسیر آیات متعددی مثل آیه مباهله و آیه مودت بیان کرده‌اند که قبلاً به بعضی از آنها اشاره شد.

قرائن داخلی

الف: حدیث ثقلین دلالت دارد بر این که عترت، عدل قرآن هستند و چون قرآن «لا یأتیه الباطل من بین یدیه و لا من خلفه تنزیلاً من حکیم حمید»^{۶۱} پاک و از هر گونه خطا و اشتباه، معصوم می‌باشد. اهل بیت نیز چون عدل قرآن هستند، باید پاک و معصوم باشند و این به تصریح روایات، شامل افراد خاصی می‌شود، نه همه نزدیکان پیامبر؛ چنانچه در روایتی که از ابن عباس نقل شده، آمده است که پیامبر اکرم ﷺ در معرفی خود و اهل بیت فرمودند: «...ثم جعل القبائل بیوتاً فجعلنی فی خیرها بیتاً و ذلک، (إنما یرید الله لیذهب عنکم الرجس...) و أنا و اهل بیتی مطهرون من الذنوب».^{۶۲}

^{۶۰}. صائم چشتی، البتول، ص ۲۷۰

^{۶۱}. فصلت / ۴۲

^{۶۲}. جلال الدین سیوطی، الدر المشور، ج ۶، ص ۶۵؛ برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به کتاب «من هم اهل البیت»، ص ۷۵، خلیفه عبید العمانی الکلیانی، و نیز، اهل البیت فی ضوء الکتاب و السنه، ص ۱۲۳ به بعد

این حدیث به صراحت بیان می‌دارد که «اهل بیت پیامبر» افراد خاصی هستند که همانند او از هر نوع گناه و معصیتی پاک و پاکیزه هستند و این حدیث نفی می‌کند قول کسانی را که «اهل بیت» را شامل زنان یا غیر آنها از آل عقیل، آل عباس و... می‌دانند؛ چرا که آنها به هیچ وجه، پاک و پاکیزه و منزله از گناه نبوده و نیستند؛ و خودشان هم هیچ‌گاه چنین ادعایی نکردند، چون ازواج پیامبر، خیلی هایشان قبل از اسلام بت پرست بودند و بعداً که مسلمان شدند و به همسری پیامبر در آمدند، مرتکب گناه شده‌اند، مانند عایشه و حفصه، خصوصاً عایشه که به نظر برادران اهل سنت از همه ازواج پیامبر برتر و با فضیلت‌تر است، به نص صریح قرآن کریم موجب آزار و اذیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شدند. داستان دل آزاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط زنان آن حضرت در قرآن آمده است؛ مانند واقعه ایلا. این واقعه این قدر برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دل آزار بود که ایشان، یک ماه از آنها جدایی اختیار کردند. این واقعه با توجه به اهمیتی که داشت در دو جای قرآن، سوره احزاب و سوره تحریم^{۶۳}، آمده است؛ و همچنین با حکم الهی که دستور داده بود در خانه‌های خود بمانند (و قرن فی بیوتکنن ولا تبرجن...) مخالفت کرده و در مقابل خلیفه بر حق پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خروج کرده و باعث آن همه مصیبت برای مسلمانان شدند؛ در حالی که به نص صریح قرآن در آیه «تطهیر» اهل بیت کسانی هستند که از هر گونه گناه و معصیت، پاک و پاکیزه بوده‌اند؛ چه قبل از نزول آیه تطهیر و چه بعد از نزول آن.

چنانچه صائم چشتی می‌گوید: خداوند متعال «اراده» تطهیر اهل بیت را نموده و آن هم تحقق یافته و چون اراده الهی «ازلی و ابدی» است، پس طهارت اهل بیت هم ازلی و ابدی است؛ یعنی این افراد، قبل از نزول آیه تطهیر پاک و طاهر بوده‌اند از هر گونه گناه، فسق، فجور و آلودگی و نجاسات؛ و نزول این آیه بخاطر اعزاز و همچنین برای افزایش اکرام آنها بوده است.^{۶۴}

۶۳. «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكِ إِن كُنْتُن تَرْضْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمْتَعِكُنَّ وَأَسْرَحِكُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً وَ إِن كُنْتُن تَرْضْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الدَّارَ الآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْراً عَظِيماً...» (احزاب / ۲۸-۲۹)؛ «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتِ أَزْوَاجِكَ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ...» (تحریم / ۵-۱)

۶۴. صائم چشتی، البتول، ص ۲۷۲

علامه مناوی، در شرح حدیث ثقلین می‌گوید: «اهل بیت پیامبر، همان اصحاب کساء هستند که خداوند متعال رجس و پلیدی را از آنان دفع نموده است و آنان را پاک کرده است.»^{۶۵}

ب: وجوب تبعیت از اهل بیت: از آنجایی که عمل به احکام و فرامین قرآن بر مسلمانان بدون هیچ قید و شرطی، واجب است؛ اهل بیت نیز که عدل قرآن هستند، پیروی از فرامین و دستورات آنها نیز بدون هیچ قید و شرطی واجب و لازم است و این وجوب تبعیت، زمانی است که ما مراد از «اهل بیت» را افراد خاصی بدانیم که معصوم باشند، نه همه آنها؛ چون در میان خویشان پیامبر اکرم ﷺ افرادی بودند که مرتکب گناه و خطا شده‌اند و از آنها که نمی‌شود پیروی کرد.

دلائل خارجی

روایاتی که در تعیین مصداق اهل بیت در آیه مباهله و آیه تطهیر، وارد شده‌اند، (که قبلاً به بعضی از روایات اشاره شد) بیان می‌دارند که اهل بیت، افراد خاصی هستند نه همه آنها. حکیم ترمزی می‌گوید: فرمایش رسول خدا که فرمودند: «لن یفترقا حتی یرد علی الحوض و قوله - صلی الله علیه و سلم - ما إن أخذتم به لن تضلوا» منطبق است بر ائمه و بزرگان از اهل بیت نه بر دیگران.^{۶۶} کاشفی در رساله «رسالة علیه فی الأحادیث النبویة» حدیث ثقلین را اختصاص به اهل بیت داده و سپس بیان داشته: «و اهل بیت رسول صلعم» علی و فاطمه و حسن و حسین‌اند. آنگاه که این آیه فرود آمد «ندع ابنائنا و ابنائکم و...» حضرت رسالت پناه صلعم علی و فاطمه و حسن و حسین را بخواند و گفت: «اللهم هؤلاء اهل بیتی». ^{۶۷} زمخشری در «کشاف» و همچنین فخر رازی در «تفسیر الکبیر» و «قرطبی» در تفسیرش، در ذیل آیه ذوی القربی، حدیثی می‌آورند که بیانگر فضائل زیادی برای اهل بیت است، رسول خدا فرمودند:

^{۶۵} محمد عبدالرئوف بن تاج العارفین بن علی بن زین العابدین المرادی مناوی (م ۱۰۳۱)، فیض القدر، ج ۳، ص ۱۴

^{۶۶} أبو عبدالله ترمزی، نوادر الأصول فی أحادیث الرسول، ج ۱، ص ۲۵۹، «و قوله صلعم، لن یفترقا حتی یرد علی الحوض و قوله - صلی الله علیه و سلم - ما إن أخذتم به لن تضلوا، واقع علی الأئمة منهم السادة لا علی غیرهم.»

^{۶۷} ابراهیم

«من مات على حب آل محمد مات شهيداً - ألا و من مات على حب آل محمد مات مغفوراً له...» فخر رازی بعد از نقل این حدیث می‌نویسد: «شکی نیست که فاطمه، علی، حسن و حسین علیهم‌السلام، ارتباطشان با رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، محکمترین ارتباط بود و این مطلب با احادیث متواتر ثابت شده است؛ بنابراین آنها «آل» پیامبرند». ۶۸

فخر رازی، تفسیر فخر رازی، ج ۲۷، ص ۱۶۶، ۶۸. «و لا شک أن فاطمة و علیاً و الحسن و الحسين كان التعلق بينهم و بین رسول الله أشدَّ التعلُّقات و هذا كالمعلول بالنقل المتواتر، فوجب أن يكونو هم الآل» کشاف، زمخشری، ج ۴، ص ۲۲۰، قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۸، ص ۴۸۵

فهرست منابع

١. ابن منظور، امام ابوالفضل جمال الدّين محمد بن مكرم، لسان العرب، طبعة الثالثة، بيروت، لبنان، دارالفكر، ٢٠٠٤ م
٢. فراهيدى، خليل بن أحمد (م١٧٠)، العين، تحقيق دكتور مهدي المنزومى و دكتور و إبراهيم السامرائى، ج ٢، بيروت، ١٤٠٩ هـ. ق
٣. زييدى الحسينى الحنفى، سيد محمد مرتضى، تاج العروس من الجواهر القاموس، تحقيق دكتور الضاحى عبد الباقي، كويت، ١٤٢٢ هـ. ق - ٢٠٠١ م
٤. طريحي، فخرالدين، مجمع البحرين، تحقيق سيد أحمد الحسينى، بي جا، ١٤٠٨ هـ. ق - ١٣٦٧ هـ. ش
٥. ابن فارس، احمد، معجم مقاييس فى اللغة، الطبعة الثانية، دارالفكر، بيروت، ١٤١٨ هـ. ق
٦. جوهرى، اسماعيل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية، تحقيق أحمد عبدالغفور عطار، بيروت، لبنان، دارالعلم للملايين، ١٤٠٧ هـ. ق - ١٩٨٧ م
٧. نيشابورى، أبى الحسين مسلم بن الحجاج، صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بي تا قرطبي، أبى عبدالله محمد بن أحمد بن ابى بكر، الجامع الأحكام القرآن، تحقيق دكتور عبدالله بن عبدالحسن التركى، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٤٢٧ هـ. ق
٨. هيثمى المكي، شهاب الدّين أحمد بن محمد بن على بن حجر (م٩٧٤)، صوائق محرقه، تحقيق أبوعبدالله مصطفى بن العدوى، طبعة الأولى، بي جا، مكتبة فياض، ١٤٢٩ هـ. ق - ٢٠٠٨ م

٩. هيثمى المكي، شهاب الدين أحمد بن محمد بن علي بن حجر (م ٩٧٤)، صوائق محرقة، تحقيق أبو عبدالله مصطفى بن العدوى، طبعة الأولى، بي جا، مكتبة فياض، ١٤٢٩ هـ. ق. - ٢٠٠٨ م
١٠. امينى، عبدالحسين أحمد، الغدير فى الكتاب و السنة، بيروت، لبنان، مؤسسه الأعلمى للمطبوعات، ١٤١٤ هـ. ق. - ١٩٩٤ م
١١. طبرى، محمد بن جرير (٢٢٥ - ٣١٠ هـ. ق.)، جامع البيان عن تأويل القرآن، الطبعة الثانية، ١٣٧٧ هـ. ق.
١٢. اصفهاني، راغب (حسين بن محمد المفضل)، المفردات فى غريب القرآن، تحقيق محمد سيد الكيلانى الحلبى، قاهره، مصر، ١٣٨١ هـ. ق.
١٣. سحيمى، سليمان بن سالم بن رجاء، العقيدة فى أهل البيت بين الأفرط و التفريط، مدينه، عربستان، مكتبة امام بخارى، ١٤٢٠ هـ. ق.
١٤. ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، أبوالعباس، مجموعه الفتاوى، مجمع الملك فهد لطباعه، عربستان، ١٤٢٥ هـ. ق. - ٢٠٠٤ م
١٥. ابن قيم الجوزى، أبى عبدالله محمد بن ابى بكر بن أيوب (م ٧٥١)، جلاء الأفهام، تحقيق زائد بن أحمد النشيري، جدّه، عربستان، دار العلم الفوائد، بي تا
١٦. طبرانى، حافظ ابى القاسم سليمان بن أحمد (م ٣٦٠)، المعجم الكبير، تحقيق عبدالمجيد السلفى الحمري، الطبعة الثانية، بي جا، بي تا
١٧. سمعانى، منصور بن محمد بن عبد الجبار تميمى المروزى الشافعى، تفسير القرآن، رياض، دارالوطن، ١٤١٨ هـ. ق. - ١٩٩٨ م
١٨. بغوى، ابى محمد الحسين بن مسعود، تفسير البغوى (معالم التنزيل)، رياض، عربستان، دارالوطن، ١٤١١ هـ. ق.
١٩. مودودى، ابوالاعلى، تفهيم القرآن، لاهور، باكستان، اداره ترجمان القرآن، بي تا

٢٠. نووى، ابى الزكريا محى الدين بن شرف، صحيح مسلم بشرح النووى، مصر، المطبعة المصرية بالأزهر، ١٣٤٧ هـ. ق. - ١٩٢٩ م
٢١. أزهرى هروى، محمد بن أحمد (٢٨٣-٣٧٠ هـ. ق.)، معانى القراءات، طبعه الأولى، بيروت، دارالكتب العلمية، ١٤١٢ هـ. ق. - ١٩٩١ م
٢٢. سيوطى، جلال الدين عبد الرحمن ابى بكر، الدر المنتور فى التفسير بالمأثور، قم، كتابخانه آيت الله مرعشى، ١٤٠٤ هـ. ق.
٢٣. واحدى نيشابورى، أبى الحسن على بن أحمد، أسباب النزول القرآن، تحقيق كمال بسيونى زغلول، طبعه الأولى، بيروت، لبنان، دارالكتب العلمية، ١٤١١ هـ. ق. - ١٩٩١ م
٢٤. حاكم النيشابورى، امام حافظ أبى عبدالله، مستدرک على الصحيحين، بيروت، لبنان، دارالمعرفة، بی تا
٢٥. طحاوى، ابى جعفر أحمد بن محمد بن سلامة، شرح مشكل الآثار، بيروت، مؤسسه الرسالة، ١٤١٥ هـ. ق. - ١٩٩٤ م
٢٦. صائم چشتى، محمد ابراهيم، البتول، ج ٤١، فيصل آباد، پاکستان، چشتى كتب خانه، ٢٠١٣ م
٢٧. مناوى، محمد عبدالرئوف بن تاج العارفين بن على بن زين العابدين المرادى ثم القاهرى (م ١٠٣١)، التيسير بشرح الجامع الصغير، طبعه الثانيه، رياض، مكتبة الامام شافعى، ١٤٠٨ هـ. ق. - ١٩٨٨ م
٢٨. مناوى، محمد عبدالرئوف بن تاج العارفين بن على بن زين العابدين المرادى ثم القاهرى (م ١٠٣١)، فيض القدير شرح الجامع الصغير، دار المعرفة، بيروت، ١٣٩١ هـ - ١٩٧٢ م
٢٩. جوينى حموى، ابراهيم بن محمد، فرائد السمطين فى فضائل المرتضى و البتول و الأئمه من ذريتهم، تحقيق باقر المحمودى، قم، دارالحبيب، ١٤٢٨ هـ. ق.

٣٠. ترمزى، أبى عبدالله محمد بن على بن الحسن بن بشر، نوادر الأصول فى معرفة
أحاديث الرسول، طبعة الأولى، قاهره، مكتبة الامام بخارى، ١٤٢٩ هـ. ق - ٢٠٠٨ م

٣١.